

مسئول بحران ارزی ولی مطلقه فقیه است!

یک روز پس از نشست خیری رئیس دولت کودتا جهش ناگهانی بهای ارز در روز چهارشنبه ۱۲ مهر به اوج خود رسید و قیمت هر دلار از مرز ۳۵۰۰ تومان گذشت. احمدی نژاد طی سخنان خود در نشست خبری که بیشتر به یک تصفیه حساب سیاسی با جناح رقیب شبیه بود هیچ گونه مسئولیتی را در مورد سقوط ارزش پول ملی بعهده نگرفت و بدون آنکه راه حلی ارائه دهد تحریم های جهانی و کارشکنی رقبای سیاسی اش را مقصر دانست. افزایش جهش وار قیمت ارزهای خارجی و اکنش بازاریان را بدنبال داشت که با بستن بخشی از بازار و تظاهرات در چند خیابان و میدان مرکزی تهران اعتراض خویش را به نابسامانی ارزی کشور نشان دادند.

کارشناسان اقتصادی بر این باورند که یکی از عوامل اصلی بحران ارزش ریال را باید در کاهش درآمدهای ارزی کشور جستجو کرد:

۱- صادرات نفت کشور در اثر تحریم های بین المللی به نصف (و حتی بگفته کاظم دلخوش عضو کمیسیون اقتصادی در دوره پیشین مجلس به یک سوم) کاهش یافته و در نتیجه ارز حاصل از فروش آن که شامل ۸۰ درصد درآمد ارزی دولت می گردد به شدت پایین آمده است.

۲- انتقال دلارهای نفتی در اثر تحریم بانک مرکزی ایران بسیار دشوار شده است. بنابراین، دولت کودتا قادر نیست نیازهای ارزی کشور را تأمین کند که پی آمد آن افزایش بیش از سه برابری قیمت دلار در یک سال گذشته بوده است.

اما بغیر از عوامل خارجی نامبرده بی کفایتی و تصمیم های غیر کارشناسانه اقتصادی دولت کودتا از یک سوی و بی اعتمادی مردم نسبت به اوضاع اقتصادی کشور نیز به افزایش ارزش ارزهای خارجی در برابر پول ملی تأثیر بسیار داشته است:

به باور احمد توکلی نماینده اصولگرای مجلس حجم نقدینگی که در سال ۸۳ تنها ۵۱ هزار میلیارد تومان بود در خرداد ۹۱ به بیش از ۳۷۶ میلیارد تومان رسید. یعنی در این مدت ۷ برابر افزایش یافته است. این حجم عظیم پول که در واقع قدرت بالقوه تقاضا در جامعه است و همچنان رو به افزایش است، سبب تورم شدید اقتصادی در جامعه شده است. از سوی دیگر بی اعتمادی مردم نسبت به سیاست های اقتصادی دولت کودتا مردم را براین داشته که برای حفظ دارایی های خود بخرید طلا و ارزهای معتبر جهانی رو آورند. بنابراین کاهش دلارهای نفتی از یک سوی و افزایش گسترده تقاضا برای ارزهای خارجی بحران ارزی را بوجود آورده است.

ولی مطلقه فقیه و بحران ارزی

امروزه کمتر کسی را می توان یافت که از قدرت مطلقه فقیه و دخالت های بی حد و حسابش در تمام امور کشور بی اطلاع باشد. وی با استناد به جایگاه خود ساخته فرا قانونی اش و با تکیه بر اطرافیان متملق، کارگزاران دست چین شده و نیروهای نظامی امنیتی اش توانسته است سلطه خویش را بر تمام پهنه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور گسترش دهد. با این وجود هیچگاه در برابر مشکلات و بحرانهای کشور که ناشی از دخالت ها و تصمیم های اوست پاسخگو نبوده است.

۱- سیاست خارجی و تحریم ها

این رهبر سیاست خارجی بویژه هسته ای کشور را به انحصار خود درآورده است بطوریکه حتی رئیس دولت کودتا نیز اجازه ندارد در پاسخ به خبرنگاران غربی در نیویورک در مورد رابطه با آمریکا اظهار نظر کند. بنابراین بحران ارزی کشور که یکی از عواملش کاهش درآمدهای ارزی کشور است بطور مستقیم در اثر لج بازی های ولی مطلقه در رابطه با فعالیت های ناشفاف هسته ای کشور است. این فعالیت ها که مردم کشور در تعیین هدف های آن و چرایی چرخش سانسوری فوژهایش هیچگونه دخالتی نداشته اند به عامل مهمی در ایجاد بحران اقتصادی و مشکلات روزمره مردم درآمده است.

ولی مطلقه فقیه با توهم ها، جاه طلبی ها و آرمانهایش منافع ملی کشور و سرنوشت ملت و آیندگان را نیز به بازیچه گرفته آنرا استقلال و نترسی خوانده است. وی در نشست تازه اش با هیات دولت نتایج سیاست خارجی کشور را چنین برشمرده است: "در زمینه دیپلماسی، فعالیتهای خوبی دارد انجام میگیرد. دیپلماسی ما باید با روحیه انقلاب همراه باشد - یعنی اسلام انقلابی - این است که به ما بُرش میدهد. امروز ملتهای منطقه از جمهوری اسلامی خوششان می‌آید، به خاطر موضع مستقل اسلامی شجاعانه اش؛ این باید محفوظ باشد. در جاهای مختلف دنیا، مردم از مسئولان جمهوری اسلامی که این شجاعت را، این استقلال را، این نترسی را بیشتر بروز میدهند، بیشتر خوششان می‌آید. خوب، این نشانه‌ی این است که راه این است. دیپلماسی ما باید در این جهت باشد." وی در نوشهر نیز گفته بود نیروهای مسلح ایران باید در بلند مدت خود را "متناسب با اهداف و آرمان‌های جمهوری اسلامی" تقویت کنند، او گفته که این آرمان‌ها "فراگیر و مربوط به همه جامعه بشری" است.

واکنش بازاریان نسبت به بحران ارزی کشور دولت های غربی را به این نتیجه رسانده که تحریم ها اثر گذار بوده اند و تصمیم دارند تحریم های تازه ای علیه جمهوری اسلامی وضع کنند. بگزارش گاردین کشورهای انگلیس، المان و فرانسه اصرار دارند جامعه اروپا با کنترل بیشتر دریاها از دور زدن تحریم های نفتی جلوگیری کند. آنها همچنین خواستار تحریم کلیه بانک های کشورند. بتازگی حتی از تحریم صادرات گاز کشور به اروپا سخن بمیان آمده است. کنگره آمریکا نیز پیشنهادهای تازه ای را برای سخت تر کردن تحریم در دست بررسی دارد. بنابراین در صورت به اجرا درآمدن تحریم های تازه در آینده باید شاهد تشدید بحران ارزی کشور باشیم.

۲- تسلط مطلق بر امور کشور

ولی مطلقه دولت نهم را "بهترین دولت بعد از مشروطه" نامید و در آخرین سال این دولت در نشستی با هیات وزرا گفته بود؛ فکر نکنید سال آخر دولت شماسست خود را برای دوره دیگر نیز آماده کنید. چنین بود که کودتای انتخاباتی انجام شد و دولت دست پرورده بار دیگر در ساختمان ریاست جمهوری مستقر گردید. در ۷ سال گذشته زیان های فاجعه باری در زمینه های گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آزادی های فردی و اجتماعی نصیب کشور شده که بحران ارزی گوشه ای از آن است. دولت کودتا بدون توجه به نظریات کارشناسانه و با توسل به شعار های عوام گرایانه با هدف بهره گیری های سیاسی و انتخاباتی، برنامه هایی را به اجرا گذاشت که به رشد نقدینگی، تورم افسارگسیخته، رشد بی رویه واردات، افزایش بیکاری و بلاخره بحران ارزی انجامید. در تمام این اقدامات ولی مطلقه فقیه از دولت نهم و دهم پشتیبانی می کرد و با دخالت هایش از انجام وظایف نظارتی مجلس که می توانست به برکناری این دولت منجر شود نیز جلوگیری نمود. حتی در آخرین نشست با این دولت وضعیت بحرانی کشور را "پیشرفت مطلوب" خواند.

ولی مطلقه فقیه طراح سیاست خارجی و راهبردهای کلان داخلی است. هیچ تصمیم مهم سیاسی داخلی و خارجی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بدون رضایت وی با اجرا در نمی آید. بحران ارزی پی آمد لج بازی های هسته ای و حمایت های بی دریغ از دولتی است که زیان های بی سابقه ای را بر کلیه امور کشور وارد ساخته است. برای ولی مطلقه فقیه پایان طبیعی دوره دولت کودتا و پیگیری سیاست های جاری هسته ای به مسئله ای حیثیتی تبدیل شده است و مسئولیت پی آمدهای دردناک اقتصادی و سیاسی آن بر زندگی ملت ایران، مستقیماً بگردن اوست.